

پس زمینه خطبه فدکيه

در حکم وصیت نامه حضرت به امت و به هم امت‌ها

۱

آسیب‌شناسی امت در انتخاب‌های نادرست در فتنه‌ها
چرا باید ایمان‌ها تاب مقاومت نداشته باشد؟

۲

نمونه‌ای کامل و واضح از جهاد تبیین در حمایت از ولایت

۳

منشور برای حاکمیت الهی
مبنای حاکمیت دینی
دین وقتی دارای قدرت حکومت می‌شود.

۴

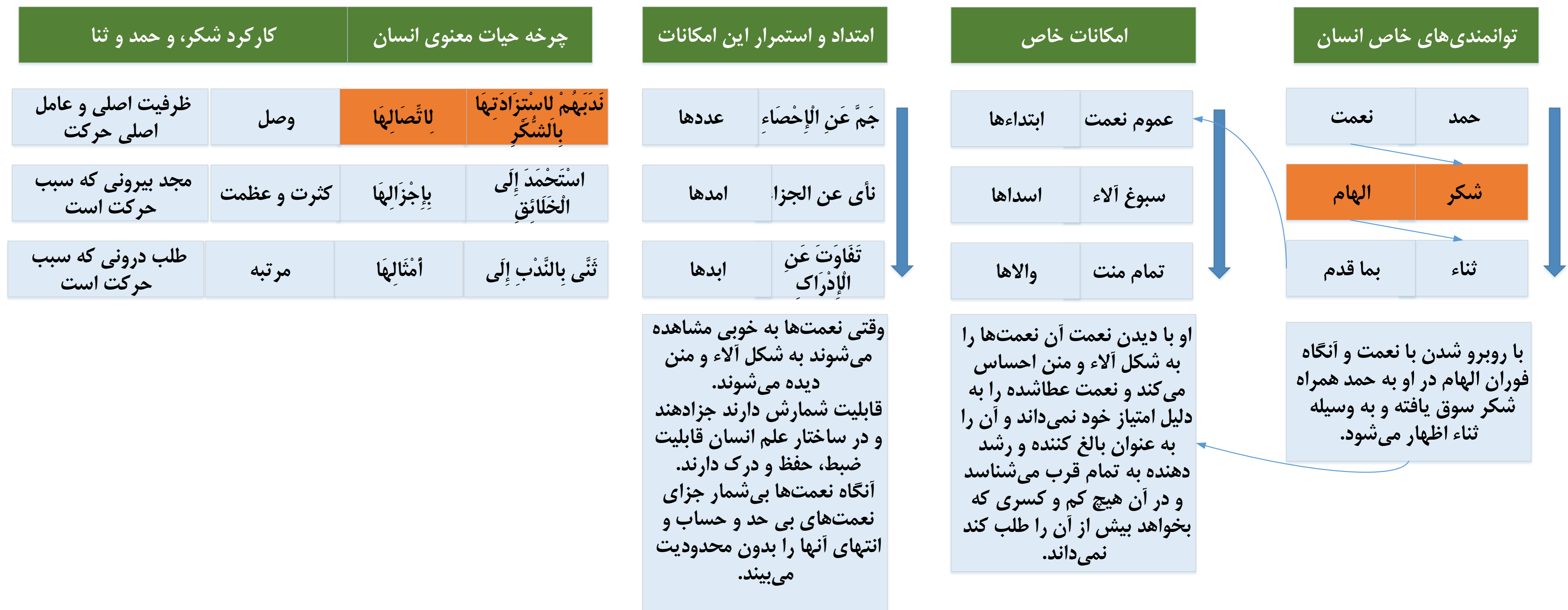
قاعده‌های تحول ساختار انسان و جامعه بر اساس دین
(و شریعت) (ولایت) و معیارهای و شاخص‌های آن

۵

تحریک و انبعاث و ذائقه‌سازی برای مسلمان مؤمن
بودن = انذار

۶

توحید در خطبه فدکیه



توحید در خطبه فدکیه

شهادت به لا اله الا الله

کلمه

انار فی
التفکر
معقولها

ضمن القلوب
موصولها

جعل
الاخلاص
تأویلها

تفکر همان
پیشران یک
انسان در
نیازهایش

به عقل در
آمدن آن به
همان اندازه
موجب
نورانی تفکر
می شود.

عامل اتصال
همه
قلب‌هایی
است که این
کلمه را دارند

خالص شدن
همان و
جاری شدن
کلمه لا اله الا
الله همان

کارکرد
درونی کلمه
توحید

کارکرد
بیرونی کلمه
توحید

شرط ظهور
کلمه توحید
در زندگی

شهادت به لا اله الا الله

توصیف شهادت به لا اله الا الله

امتناع قدرت گزاره‌ای انسان
از بیان چگونگی فعل او

انسان با گزاره‌ها نمی‌تواند
کیفیت فعل خدا را بفهمد.

امتناع زبان‌ها از بیان
صفت او

انسان با محدود
کردن نمی‌تواند وصف
خدا بکند

امتناع رؤیت ابصار

انسان با ابزار دیدن
قدرت رؤیت خدا را
ندارد.

تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ
و تَنْبِيْهًا عَلٰى طَاعَتِهِ
وَ اِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ
تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ
وَ اِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ

خلقت خداوند

فلسفه خلقت و هبوط

حکمت مخلوق = غرض متعالی خلق آن
تفصیل حکمت = قرار گرفتن در مدار طاعت
تفصیل طاعت = آشکار شدن قدرت خدا
تفصیل اظهار قدرت = دریافت حالتی از خضوع و خشوع
تفصیل تعبد = تقویت کردن دعوت خدا

تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ
و تَنْبِيْهًا عَلٰى طَاعَتِهِ
وَ اِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ
تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ
وَ اِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ

ذره‌ها بمشیته

کونها بقدرته

انشاءها بلا احتذاء

ابتدع الاشياء

برای آن شیء نقشه
تدارک دید

بودن شیء را معادل
قدرت او ببین

بدون آزمودن

بدون نقشه قبلی

فایده‌ای در تصویر
آن نیست.

حاجتی برای او در
تکوین آن نیست

به نسبت طاعت خود و تنوع آن اجر و جایگاه کمالی مخصوصی
قرار داده است.

به نسبت نافرمانی و تنوع آن عقبه نامطلوب مخصوصی قرار داده
است.

تدبیری قرار داده تا فرد نعمتی که به دست می‌آورد از دست ندهد.

تدبیری قرار داده تا فرد سر از بهشت خود در آورد.

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلٰى
طَاعَتِهِ
وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلٰى
مَعْصِيَّتِهِ
ذِيَادَةً لِعِبَادَةٍ مِنْ نِعْمَتِهِ
وَ حِيَاثَةً لَهُمْ اِلٰى جَنَّتِهِ

شهادت به رسالت رسول

وَ أَشْهَدُ أَنْ أِبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ
اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ
وَ سَمَاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ
وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَنَهُ
إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ
وَ بَسْتَرِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةٌ
وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَفْرُونَةٌ
عَلِمًا مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا يَلِ الْأُمُورِ وَ إِحَاطَةً
بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ
ابْتَعَنَهُ اللَّهُ اِتِّمَامًا لِأَمْرِهِ
وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمضاءِ حُكْمِهِ
وَ اِنْفَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ

معرفی پیامبر خاص
طراحی آفرینش/ خلقت آفرینش
پیامبر کاملترین موجود /نقشه آفرینش
حی بودن پیامبر ص و در میان مردم بودن اوست.
احیای دوباره ایمان به پیامبر ص
احساس بودن پیامبر هر فرد و اجتماع
مخلوق بودن خاص در عین بشر بودن

دلالت به مقام خاتمیت رسالت
رسیدن شریعت و دین به تمام و کمال خود
رسیدن انسان به کمال خود برای دریافت همه احکام الهی
جاری شدن منافع نظام ولایت در عالم به شکل رحمت

حس پدری	حس عبد بودن	حس بی‌ارتباط نبودن با خدا
تمام شرایط را برای ویژه بودن او به عنوان آخرین رسول مهیا کرد		
اسمی که برایش انتخاب کرد آنقدر برای خدا مهم بوده که حتی سبب انتخابش بوده		
خلوص پیامبر سبب بعثت او شده است. خلوص او سوای از بعثت اوست.		
تعریف قبل		
او را به عنوان امام و جلودار علم غیب خود و نه تنها علم غیب بلکه تعیین کننده قدرت تقدیر در عالم قرار داد.		

بعثت:

تمام شدن امر خدا/ فراهم شدن نظام و ساختار هستی	موضوعات حیاتی	کمالی خودنمایی کند
حتمیت و جدیت در تحقق وعده‌های الهی و جاری شدن حکمت او در عالم	فواید و حکمت‌ها آنها	اراده‌ای جدید فعال شود
به صورت قطعی و با استحکام جاری شدن تمام مقدرات رحمت‌آفرین	جریان ظرفیت‌بخش در آنها	اثری از رحمت ظاهر شود.

ظلم = تاریکی‌های محیط شب تار درست کننده
بُهم = شبهات و دیدنداشتن و تفصیل نداشتن خاموش بودن
غَم =دچار تبعات و مصایب گاه و بی گاه که حال انسان بد می‌کند و به هم ریزاننده

بِهْمِ **وَجَاهِلِيَّتٍ**

رحلت پیامبر بر اساس حکمت الهی و طراحی خود پیامبر اتفاق افتاده است.

دلالت به رسالت پیامبر با مختصات تاریخی مشخص

عناصر اصلی جاهلیت
خارج بودن انسان از یکپارچگی
خارج بودن انسان از منافع دین و محروم بودن از منافع انسانی
اتکای انسان به وثنیت و ثنویت و سوق پیدا کردن خرافه‌ها و فرهنگ‌ها
انکار خدای واحد

عناصر قیامت حجت خدا
هدایت = دستگیری هادی
انقاذ = سرعت عمل در بیرون راندن از انحراف
درونی = پرتاب به بیرون گمراهی
بصیرت = بالا بردن افق دید
هدایت به دین قویم= دین همه کاره
دعوت به راه مستقیم = راهی که خود آن راه هوشیار و رونده است.

فَرَأَى الْأُمَمَ
فَرَقًا فِي أَدْيَانِهَا
عَكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا
عَابِدَةً لِّأَوْثَانِهَا
مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا
فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ ص ظُلْمَهَا وَ
كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بَهْمَهَا
وَ جَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غَمَمَهَا
وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ
فَأَنقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ
وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ
وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ
وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ
ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَاقِهِ وَ اخْتِيَارَ وَ رَغْبَةً وَ
فَمُحَمَّدٌ ص مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ قَدْ حَفَّ
بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ وَ مَجَاوِرَةِ الْمَلِكِ
الْجَبَّارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيهِ وَ أَمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ
وَ صَفِيهِ وَ السَّلَامِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ